

یا نبی صلی الله علیه و آله

حضرت مبارک جناب کفایت لکنه لکنه لکنه لکنه لکنه لکنه لکنه

گردد ما در هم گریه کردیم ز غم ز غم ز غم ز غم ز غم ز غم ز غم

تصدیق را بر شمسایم ز کوه فرات ز کوه فرات ز کوه فرات

هم در گریه کردیم ز غم ز غم ز غم ز غم ز غم ز غم ز غم

با احترام
بزرگواران

۱- آیا هیچ زنده گانه از انقلاب نفعی ندید و ملت با تغییر رژیم قانون مشروط بقانون جمهوری ایران
 و ارتقا رسانی جمهور تمام و کلاً لغو خواهد شد و دیگر لغو نمیشود پس چرا شاه طاعتی که تمام قوانین مملکت
 و ناحق کفرانی خود را با زور فتنه بر بقای دروزنه عمر سلطنت خود و طبع کرده بود رفته است
 ملت ایران علیه قوانین موقوت و معلق را قبول ندارد و خواستار لغو آن هستند و من به این مثل در آن ذکر نمود
 و سالها گمانند که ۱۳۰۰ بقرار شود که پیکس در مورد حق خود قانع باشند و هیچکی بحقوق دیگری تجاوز نکند
 اگر منظور از پیراه سجود کردن ملت و ملت را بجان هم انداختن و آب را جلالت و سایر گرفتار کنند
 گذشته بازرگانی ما بدین ملت ما کتت نخواهند بود بلکه ما بیک پس از ۵۰ سال و فرانس ۲۰۰ سال
 مبارزه و تبلیغات اولادان خود توانستند محض خود ببرند

- ۲- دوران حاکمیت رئیس جمهور ایران هیچ سال باشد بهتر نیست
- ۳- افتخارات رئیس جمهور در دوران حاکمیتش تا چه حدود است و تا چه اندازه مجلس را
 و یا از رهبری افزد نور و انجام وظیفه میدهد کدام است
- ۴- آیا رئیس جمهور تخت وزیر هم دارد یا نه
- ۵- آیا انتخاب تخت وزیر با رئیس جمهور است یا ملت ایران کدام است
- ۶- آیا اعتبار نامه رئیس جمهور را که اصلاً می خواهد کرد
- ۷- اگر رئیس جمهور پس از ارتقا و تسلط خود خواست که با تمام مملکت و قدر مملکت
 اقدام کند چه مقام و مرتبه میتواند فردا در آنجا منزل در آنجا کند و آیا تحلف از مجلس
 رئیس جمهور محاکمه و مجازات خواهد شد یا نه
- ۸- آیا بعد از دوران تخت او در آنجا که حاکم و مجازات خواهد شد
- ۹- آیا نمایندگان مجلس امیر مملکت تعیین و برایشان از ایران دید نام نمایندگی مجلسی خواهد رفت
 اگر نمایندگی از ایران دید مجلسی راه نمایندگی دهد و در مملکت فاشی و ایران تا بود خواهد
 محض و قسم کلیم که هم اکنون شاه طاعت را میخوردند ظاهرشان را بنیاید که چگونگی خبر او را
 صدید نبرهان اینها حالاً میشود پس اسرائیل هیچ صلح نیست ایران دید در مجلسی راه نمایندگی
 اعتبار در کتبی نشسته اند تا چنانچه طبع او را کشته بان باشند نگرانی بزرگ اولی که امور خواهد بود
 تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی از بر آستان ۲۴ نفر کافیست زیرا ما اگر تمام باشد هیچ در حقیقت
 چهار نفر نمایندگان مجلسی کمتر باشند لکن مجلسین زودتر تصویب هر کار و موقعی اجراء گذاردند ما شکر و بخت
 نمایندگان مجلسی ما ستان و خبرگان تعدادشان از اتانرا یا درگز از روز افزون شایسته و بنیاید اعلم
 و تدبیر که همچو ۱۲ نفر باشند خوب است و بیخیز خزان دولت هم صحت را اگر نمایان میخوانند
 خشک روغن نوزدیک باشند آن عزیزان است دید
 آیا شخصی رئیس جمهور را نمایندگان مجلسین تصویب کنند و دست آن یکماه صحت

آیا رئیس جمهور را بنابر آنچه از کشور نمایندگان مجلسین با بر تصویب کنند

آیا رژیم بهاری رئیس جمهور منتخب وزیر کار او را انجام میدهد

آیا حقوق رئیس جمهور را مجلسین تصویب میکنند

آیا ترخیص رئیس جمهور را مجلسین تصویب میکنند

آیا هزینه احتمالی کشور به اثر رئیس جمهور خواهد بود

آیا قوای نه گانه ارتش با پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب مجلسین برای ادغام در مملکت انجام خواهد پذیرد

آیا در کارهای ریاستهائیکه در اختیار خواهد بود در کارهای برای مملکت پیشی نخواهد کرد بلکه میتواند جز جاسوسی

و فحاشی علیه مملکت سایر دیگرند با قانونگذاران باید بدانند که هم اکنون قبلی زنا هستند خوش

حفاظت میکنند خدا را ایران فردا با هوایمان در بنام به ادبیات یا کسورهای دیگر میروند و از فریب است

یا کلیات ایران شفاهاً خبر میدهند را امیدواریم هم جمع آوری ایران و یاد داشته باشند

و یکی در وضع دیگر باز به آن عمل بشکارت شود لایک خانواده چقدر شوکا هستند از حقوق بگیرند و در

ایران هم حقوق بگیرد ولی خانواده های دیگر از حقوق دینی خبر ندارند در زن را ادوا میکند زن مرد را از

مکنند کدام مسیح است استخدام زن صلاح نیست

زیرا استخدام زنان در دوران دولتی مندر از وزارت فرهنگ و بهداشت ادوا خواهد یافت یا نه

آیا میدانید کسی با حقوق کمتر از یک ماه و عروس مرد با هر چه بکشد و غضبی در دردی ایجاد شود و در لحظه در خدمت

و منتظر فرصت است مناسب برای بنام در دولتی و بدین منتهی به تا جودی او هستند و دیگر استخدام زنان بنام پیمان

افزودن باین نیروی جوان و ارتشی و هم بنام است و کالیت و رتبه دادگاه و با حقوق آری رتبه

جمهور و انعام چه گفته بزرگ برای مملکت مناسب ایران بود خواهد آورد چون دوران طاعت است بری شده

از ادوا تقاضا و یادگار کسی نابجای بود دیگر تمام خواهد بود در هر کلمه و در هر کلمه قانونگذاران هر یک از ادوی از اول

پیشی بینی همه جا بنام را خواهند فرود و ملوی خواهند کرد که مملکت ایران طلب اعتمادند و به خلاف آنچه

که میخواهند در خدمت بیاورند و مکنی العمل با مسامحت عال دیند و به اعمال و عقاید دست نهند

خدمت شهبانو - بوزیر فرزند قضاوت استوار بسیار گفته شود بیان و معالمان بهر خود صفت

با گردان نمود بر بند هموار دفتر که را قبول و بی که مرود شوند و دختر که در آن تو خوام دولت در آنند و بر که هم
شامل جو شکاری کنگری بخاری هر و این فروغ و زد که او که در آن سخت مقول که کند فقط تو زنیک بر آنای مناری
و فرستادن و میران کل فرزند خانگی و در راه و هر که که قبول شود که در آنند به مثل بیان خود در آنند آنچه
بفعل به آن پاپین زودر تا آنکه بهایت آنرا و زمان را برای محمود و مسافره کردن و تحقیقان مردمان
تصویب کردند تشریح هم بود

در آن ملاحظه رفته و آن ملاحظه به پنجاه اقصی فقره در کافرا انجام میدهد به توالی قانون خدمات خانواد
وزن در دو ملاحظه به اشکال و همین قانون ظالمانه و کزانی زن انتظار وقت و متجاوز و مفصول در معادله بیگ
مثل ای که در آن فرموده اند یا در هر کفته اند بنای اختلاف و نسبت در طوفان آن سحر کمال در سید و طلاق بر آن
۷۳ فقره ملاحظه - نسبت فقره آن و فرم آن - شکایت برای طلاق پس از اخطار در حضور در دادگاه که خانگی
شکل بود تا مینور دفع رسالت انجام دادگاه خودتشی نیز بر اجازت طلاق نمیداد و بعد تا پیوسته برای حق
و حقوق و تقصیر و کوه در مینا آورد اول نمیکرد انتظار از وقت قانون خدمات خانواد که طلاق کردن
آب و گرفتاری با پی که بدست ایران همیشه همه گرفتار باشند شاه فرستاد و در آنش بدست باشند

بسی به در طاعت که شخص زن خود را طلاق میدهد و نه میدارد باید در دادگاه حتماً باید ایران نامی خود را افشا
کند و بی شکستی تا طلاق دهد و به بد شخص به رسمی دادگاه بگوید - بعد بگوید زن من میده است و زدی است
یا شکستی را برایشی با زنی کند و این این حرف قبیح است از آن قانون وقت که نگذازانند اگر قرار شد کسی زن خود را
طلاق دهد قبل از طلاق تا چون آوردت نمیدادند ایران خود را به غیر بگوید و بعد از طلاق اگر حرفی زد عیب است این
و غیب است حالش که بد است اینهمه به تقصیر و نون ظالمانه شاه بود و با آن اجازت میده بگوید که می خارج بزرگ بگوید
ان ایضا قانون نگذازانند جمهوری ایران قانون ظالمانه به است خانواد و زنان را لغو مینماید و در این منع از داد و طلاق و این
حقیقی و قوی و نظار را در آن تا زمان از خود و طبع خود خارج زنده طبعی است تسلیم و طبع است که در اختلاف است که در
کراهی بزرگ مینماید و نسبت دادگت که مکتوب خواهد بود

حجاب - کیا حجاب بلای زن ایران چه سلمان یا اقلیتی در آن است؟ (تغایر) به قرار خواهد شد و نه وید
نماید به پوشیدن و نمایش آن معیول باشد زن خواهد بود قادر در قرار آن گرم حجاب برای زنان تا که در آن است
لذا حجاب باید معیول شود - حجاب برای زنان در کت و قصبات است و نمیکند و لازم نیست از راه
کسی که کفشی بیا از آنج با آن حجاب هم برای او نمیدادند و برابر هم حکمی نمودن در این منطقه به بی حالی است از تقاضا
و رفتار زنانه به جز از زنان ایرانی هستند

خوبی یکی شاه طاعت به بدست است و تصویب ایران - هم زن در آن است و در آن وقت از کسی و شکستی در آن قانون است
خانواد را تصویب کرد و مردان را در تقصیر از اوقات و بلکه خواهد وقت کرد برای آنکه زن به آن راه مانع باشد
و قانون برای کارگران از اوقات ممنوع حقوق است که کرد و آنهم ظالمانه و مانع بیاد دارد و مختصر در آن مینماید کارخانه کارگران
زودر و مخورن میان پیر و میان و راه قمار برای هیچ کرد و کفشی نمی خرید بیدلج به سید آنج از راه کارخانه کارگران
بیدلج کم بود و در آن استانی کارگر کار بویور - حقوق به سید بود کارخانه و مکتوبی در پیش کارخانه و معنی او را در حال
او چه بیغ است به دولت شاه بوزر و دولت خود چون کارگران را تصویب کرد که در آنند و ایشان بیدلج باشد -

کثافت بیارند و در آنجا بعلت بی ریزی ماقص اگر ماهمان ضرورت نبوی گناقتش دنیا را فرانو اوله گرفت و در آنجا که بود
 و بلکه ما بود خود را بداند در اینها تعقل و تفکر با وقت لازم است تا ایرادها را کشتی و نظم سیرت مبارزه و اگر کم گشتی همیشه سیرت
 این ملت از ملک و مال و حق خود نخواهند گذشت و بیگانه هم نخواهند ماند و بلکه مملکت در مدتها خطر هم قرار خواهد گرفت
 بر اسطره یک رنده بودن تا نظم آتشی که همیشه خود را موقوف و ما کم مطلقا میداد و اگر سیرت مملکت از نظر ترایا معتدل بود
 و با سطح هم نداشت و کسی حق اعتراض و بیگانه با مملکت نداشت دیدی چگونه پدر خود را در آور و در آورده ای خود را سیرت
 و بحالی و آنکالی خود را سیرت و سرگردان کرد و دیگر حضرت امام خمینی میفرمایند مستغنی و شرفمند بیارند همه باید
 با کمال بسیار صلح و مکی در حدود قدرت و قلم در افکارشان آری تا مصلحتها را مستقیم آید و در اینجا مصلحتها را باید سیرت
 کلام صلح است بر صورت مالک بنا ملک و گنا در زینت و در زینت مملکت که باید که با بدو اگر بنا شده مالک
 مملکت از کجا بدست میاید حقوق کا مصلحت آید دولت در نرفته آید که مملکت بدون تعقل چگونه خواهد شد سیرت
 در آنجا که سیرت مملکت را بر چشمت آید از خنده آید و از طرفی آید مملکت ایران که مملکت است که از ملک نشود
 میگویند مشورت و در آنجا ملک با بدین مایه تقسیم شود هر یک در آنجا شایسته خطی نزدیک است که سیرت
 خود آید بهر جهت مردم را مقبول نگیند - مثل اینکه تغییر رژیم مشروطه جمهوری اسلامی و رفقا باشد بود که مملکت
 که آید و آید مملکت مردم را بدست آید این است - مملکت ایران که مملکت میفرماید مصلحتها را از آید که مملکت در
 حافظه آید و بلکه با شکار میام و قوم و بلکه موم هم باید آید مخصوصاً در آنجا که با و مالکین و
 بازرگانان - در آید با عرضا میگویند خوب است بسیار آید است (الله طاعتی و سایر آید)
 لویا آید و شور و شور کرده و بعد بعضی حضرت امام خمینی پرسیدند که آید از زیر چشم
 به نیند که طاعتی نمانند - نظارت محمودی مملکت در دست است - یا آید

د. سید

از نگاه مردم سیرت مملکت و مملکت مملکت مملکت مملکت